

## چالش‌های سازمان تعزیرات در اجرای مسئولیت مدنی، حکم حقوقی و فقهی بازارشکنی

سبا حیدروند، حسین کریمی<sup>۲</sup>

### چکیده

بازارشکنی و جلوه‌های به‌خصوص آن مانند احتکار و کم‌فروشی باعث وجود اخلاص‌های مختلفی در سیستم اقتصادی یک جامعه می‌شود. بررسی مسئولیت‌های مدنی مرتبط با آن از جمله زمینه‌های مطالعاتی در تمامی جوامع متمدن به حساب می‌آید. بررسی قوانین ناظر بر بازار و آئین رسیدگی به تخلفات مندرج در این قوانین اغلب ما را با ابهامات و نقائص گوناگونی مواجه کرده که نهایتاً انگیزه نگارش مقاله فعلی شده است. این مقاله براساس روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تبیین مسئولیت مدنی و حکم حقوقی و فقهی بازارشکنی پرداخته می‌شود و نظریه‌های موجود در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین با بررسی بندهای مختلف قانونی به بررسی چند و چون جرم‌های مربوط به بازارشکنی پرداخته می‌شود. نتایج نهایی این مقاله نشان می‌دهد از آنجائیکه تعزیرات حکومتی فاقد آئین دادرسی است، ابهام در جایگاه صدور قرارهای تأمین، حق جلب متهم و ... این شعب را در صدور حکم و اجراء آن دچار مشکل نموده است. همچنین کمبود منابع تحقیقی و کمکی برای صدور آراء قوی، موید این مطلب است که سازمان تعزیرات، سازمانی دانش محور نبوده و از سوی این مرجع حمایتی نسبت به محققین صورت نمی‌گیرد. در نهایت مشخص می‌گردد که تداخل صلاحیت‌ها بین سازمان تعزیرات حکومتی و سایر مراجع قضایی و اداری نظیر دادگاه‌های عمومی و انقلاب، شوراهای حل اختلاف، هیات‌های بدوی نظام پزشکی و ... باعث سوء استفاده مجرمین اقتصادی و به نتیجه نرسیدن اقدامات معمول می‌گردند.

واژگان کلیدی: بازارشکنی، مسئولیت مدنی، حکم حقوقی

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم saba.heidarvend@gmail.com

<sup>۲</sup> دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم

## مقدمه

دادوستد به قوانین و مقرراتی می‌گویند که بتواند امور بازار را تنظیم نموده و از بروز اختلافات جلوگیری کرده و متخلفین را مجازات نماید. با پیچیده‌تر شدن مبادلات کالا و رونق تجارت قوانین حاکم نیز گسترده‌تر شده است تا جایی که نهادهای مردمی و دولتی خاصی در جهت تضمین اجراء مقررات صنفی و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان پدیدار شدند. در نظام قضایی ایران نیز قوای حاکم باتوجه به ضروریات اقتصادی و حقوقی با تاسیس نهادهای حقوقی و قضایی خاص اقدام به تدوین قوانین لازم نیز نموده‌اند. یکی از نهادهای مهم در این زمینه سازمان تعزیرات حکومتی است که دارای صلاحیت‌های متعددی در رسیدگی به جرائم صنفی است. در مقاله حاضر به بررسی قانونگذاری درخصوص حقوق مصرف‌کننده، به نحوه رسیدگی به جرائم اقتصادی مندرج در قوانین تعزیرات حکومتی، نظام صنفی و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و به بررسی مسئولیت و مجازات نای از بازارشکنی پرداخته شده است. ضمن اینکه با بهره‌گیری از نظرات علما حقوقی در قالب شرع اسلام پرداخته شده و عناصر تشکیل دهنده جرائم صنفی بطور جداگانه بررسی و در پایان نقد وارد بر برخی قوانین موردنظر و سیر دادرسی در شعب تعزیرات راهکارهای عملی ارائه می‌کنیم (حسام، ۱۳۹۵: ۲۳).

۱۰۲ بررسی قوانین مصوب در مجالس قانون‌گذاری دوران مختلف تاریخی ایران موید حضور قاطع دولت و اهرم‌های نظارتی وی در بازار و دولت هیچگاه نخواستند است پای خود را بطورکلی از اقتصاد بیرون بکشد، از این‌رو در تحقیق سعی شده است به بررسی مسئولیت مدنی ناشی از بازارشکنی با تاکید بر مقررات نظام صنفی در دوران‌های مختلف نظارت بر اصناف در ایران مشخص نماید، تا این تصور برای افرادی که آشنایی کمتری به مقوله قوانین حاکم بر بازار دارند ایجاد نشود که قوانین نظارتی مرتبط با بازار زاپیده قانون‌گذاری در چند دهه اخیر است. قوانین که در حال حاضر مستقیماً بر نحوه عرضه و توزیع کالا و خدمات در سطح بازار حاکم می‌باشد شامل قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۳، قانون تعزیرات حکومتی مصوب سال ۱۳۶۷ و قانون حکایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب سال ۱۳۸۸ می‌باشد. اگرچه قوانین متنوع دیگری نیز در امر نظارت دخیل هستند که شعب تعزیرات حکومتی یا در مقام اعمال تشدید مجازات به آنها مراجعه می‌نمایند و با آن قوانین به بخش دیگری از تخلفات می‌پردازد، نظیر قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان و یا قانون تعزیرات حکومتی امور درمانی و دارویی و ... (همان).

اما بازارشکنی از جمله فعالیت‌های ممنوعه اقتصادی است. باتوجه به اینکه اقتصاد نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشرفت و توسعه کشور دارد، چنانکه اگر زمینه اقتصادی توسط چنین جرائمی آسیب ببیند، زمینه‌های اجتماعی، سیاسی متأثر از این امر خواهد شد. بدین جهت براساس شریعت اسلام و قوانین حقوقی و مدنی نظام صنفی در راستای امنیت اقتصادی و تعادل در بازار، در صورت مرتکب شدن جرم بازارشکنی و گرانفروشی

حق فسخ قرارداد و خیار غبن برای طرف مقابل ایجاد می‌شود. مشروط به اینکه به نظر عرف ضرر فاحش باشد و قابل مسامحه نباشد. از مهم‌ترین راه‌های مقابله با بازارشکنی، جرم‌انگاری و مجازات گران‌فروشی، احتکار و ... است که در آن فروشنده با انحصار بازار و ایجاد بازار سیاه بویژه در صورت اضطراب خریداران به فروش کالای موردنیاز با نرخی فراتر از حد معمول می‌پردازند. بدنبال مساله بازارشکنی و عواقب حاصل از آن چون گرانفروشی، تورم، احتکار و ... تعیین نرخ اجباری توسط حاکم اسلامی مطرح می‌گردد، در صورتی که انحصارگری و حرص و طمع عامل تورم و به مراتب بازارشکنی باشد. مبنای حقوقی آن قاعده لاضرر است که بر احکام اولیه از جمله قاعده تسلیط است. طبق قانون تسلیط مالک حق دارد مال را به هر قیمتی که می‌خواهد بفروشد که در صورت ضرر به مردم و بازارشکنی با قاعده مدنی لاضرر تعارض می‌کند که در این صورت قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط است. از دیگر راه‌های مبارزه با بازارشکنی نفی کم‌فروشی کالا در بازار، قیمت‌گذاری و تثبیت متعادل قیمت‌ها، حذف واسطه‌گری‌های غیرمفید است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۴).

بنابراین بدون شک بازارشکنی یکی از مشکلات و دغدغه‌های اصلی حکومت ایران در برهه‌های مختلف بوده است. صرف‌نظر از ماهیت حکومت یا نظام سیاسی ایران به نظر می‌رسد که مسئله بازارشکنی از جمله تهدیدات برای نظام اقتصادی که از اجزاء نظم عمومی است به همین دلیل در مقاطع مختلف سیاست‌گذاری و متولیان اداره کشور با این پدیده به شیوه‌های گوناگون و گاهی نسبتاً شدید برخورد کرده‌اند.

۱۰۳

لازم به ذکر است، نظام کیفری بعنوان هسته سیاست حقوقی بیشترین سهم را در برخورد با پدیده‌های ضداجتماعی و رفتارهای بزهکارانه دارد، می‌توان گفت سایر ابزارها و امکاناتی که دولت‌ها و نهادهای اجتماعی در مبارزه با جرم بکار می‌گیرند حول محور نظام کیفری است. لذا در ابتدا لازم است ابتدا گران‌فروشی در حقوق جزای ایران مورد بررسی قرار گیرد و تعریف و انواع آن باتوجه به قوانین موجود بیان شود تا با ترسیم حد و مرز بحث افق روشنی از دامنه موضوع فراروی‌مان باشد.

این بحث از دو جهت حائز اهمیت است:

۱) با نگاهی به تخلفات بازارشکنی، گرانفروشی، عرضه خارج از شبکه، عدم درج قیمت، احتکار و ... کمتر نسبت به موضوعات حقوقی دیگر مورد توجه قرار گرفته شده است. در حالیکه بزه‌های اقتصادی از این قبیل برهم زنده نظم عمومی بوده و به‌مثابه معضل شیرازه و پیکره یک جامعه را از هم متلاشی می‌کند و به همین دلیل هرگونه پیشرفت و توسعه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی یا متوقف می‌شود و یا به کندی صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد نامانوس بودن بازارشکنی علت نپرداختن به پژوهش در این زمینه است.

(۱) مطالعات در زمینه بازارشکنی تا حدودی یک نوع مطالعات نو در حیطه رشته حقوق و فقه حقوق به شمار می‌رود.

سوالات مقاله حاضر این می‌باشد که:

- مسئولیت مدنی و حکم حقوقی و فقه‌ای بازارشکنی چیست؟

- مسئولیت مدنی و حقوقی نظام صنفی جهت مبارزه با بازارشکنی چیست؟

- مهم‌ترین راه مقابله با بازارشکنی شامل چیست؟

- رابطه احتکار و گرانفروشی با بازارشکنی چگونه است؟

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و همچنین با مراجعه به منابع معتبر حقوقی و فقه‌ای که بصورت نسخه مکتوب و نرم‌افزاری صورت خواهد گرفت. با بررسی و تجزیه قانون تعزیرات حکومتی و با استناد به روایات و قواعد حقوقی، مبانی حقوقی و فقه‌ای و حقوق بازارشکنی و راهکارهای مبارزه با آن روشن خواهد شد. بعد از مرحله فیش‌برداری و تحلیل و بررسی نگاشته می‌شود.

## ۲- مفهوم شناسی

### ۲-۱- معنا و مفهوم احتکار در لغت

واژه احتکار از ریشه «حکر» اشتقاق یافته که لغت‌شناسان برای آن معانی مختلفی ذکر کرده‌اند: «حکر: عبارت است از ستم در نقص و بدمعاشرتی و فلانی فلان چیز را احتکار نمود به این معناست که بر او مشقت و ضرری در معاشرت و زندگیش داخل شده است. (الحکر: الظلم فی النقص و سوءالمعاشره و فلان یحکر فلانا: أدخل علیه مشقة و مضره فی معاشرته و معایشته» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۶۱). در الصحاح اینچنین بیان گردیده که: «احتکار طعام، جمع و حبس آن است به انتظار گرانی قیمت و این عمل «حکره» است به ضم حاء» («احتکار الطعام: جمعه و حبسه یُترَبص به الغلاء و هو الحُکره بالضم» (جوهری، ۱۴۱۰: ۳۶۵). «حکر گردآوری خوراکی است برای گران‌تر شدن، و صاحب آن محتکر نامیده می‌شود» (الحکر ادخار الطعام للترَبص و صاحبه مُحْتَكِر» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۰۸). در قاموس آمده است:

«حکر، به معنی ستم و بدمعاشرتی است و فعل آن بر وزن «ضَرَبَ» است ... و «حکر» با فتحه کاف به معنی حبس نمودن جنس به منظور نایابی و گرانی قیمت و به معنی لجاجت و استبداد و آب جمع شده می‌باشد» («الحکر: الظلم و إساءة المعاشرة و الفعل كضرب ... و بالتحريك: ما احتكر، أي احتبس انتظارا لغلائه ... و اللجاجة و الاستبداد بالشيء ... و الماء المجتمع» (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۱۲).

«حکره با او بدمعاشرتی کرد و در معیشت او دشواری و زیان به او وارد کرد و در حق او ظلم و ایجاد کمبود و تنگنا روا داشت و «حکر» لجاجت کرد و «حکر بالامر» استبداد به آن ورزیده و به خود منحصر کرد و از همین قبیل، استبداد به حبس مال التجاره تا موقع خود به قیمت بیشتر فروخته شود. «تحکر واحتکر الشیء» یعنی جمع و حبسش کرد، به انتظار گرانی، به بهای بیشتر بفروشد». (حکره: أساء عشرته، أدخل علیه مشقة و مضره فی معایشته، ظلمه، تنقصه، حکر حکرا: لَجَّ ... حکر بالامر: استبدد، و منه الاستبداد بحبس البضاعة کی تباع بالكثیر. تحکر و احتکر الشیء: جمعه و احتبسه انتظارا لغلائه فیبیعه بالكثیر» (معلوف، ۱۹۹۲: ۱۴۶).

همان‌طور که از تعریف‌های ذکر شده برمی‌آید، احتکار در معنای اسمی و هم در معنای وصفی بکار رفته است. در معنای وصفی در توصیف کسی که ستم بر دیگران روا می‌دارد. در این معنا بدون اختصاص به غله بکار رفته است. در معنای اسمی آن برای قلت، کمیابی، حبس کردن و احتکار با اختصاص به اشیاء بکار می‌رود. بنابراین، باتوجه به اینکه اهل لغت بطور کل سه امر در تعریف احتکار معتبر دانسته‌اند (گردآوری کالا اعم از مواد غذایی و غیر آن، نگه داشتن و امتناع از فروش کالا، انتظار و امید گرانی نرخ کالا)، مفهوم احتکار اختصاص به غلات ندارد و در همه کالاهای ضروری جامعه تعمیم پیدا می‌کند (شمس‌الدین، ۱۳۷۸: ۵۳).

## ۲-۲- معنا و مفهوم احتکار در حقوق

۱۰۵

از سوی حقوق‌دانان برای معنای اصطلاحی احتکار تعریف‌های گوناگونی ارائه شده، که اهم آنها به قرار زیر است:

- احتکار عبارت است از اینکه کسی کالای مورد احتیاج ضروری عامه را زیاده از مصرف خود داشته و برای جلوگیری از فروش به دولت یا مردم پنهان کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶: ۱۶).
- احتکار ذخیره کردن و انباشتن کالای تجاری که از دسترس مردم بیرون شود تا بتواند در فرصت مناسب، آن را به نرخ گران‌تر از قیمت عادلانه بفروشد و بهره‌کشی کند، او را محنکر نامند. دولت او را مجبور به فروش مال مورد احتکار می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۷۷).
- احتکار در مفهوم اعم آن، عبارت است از: کاهش دادن یا متوقف کردن جریان توزیع کالا که توسط همه یا برخی از فروشندگان بطور موقت صورت می‌گیرد (شامبیاتی، ۱۳۷۶: ۲۶۶).
- احتکار عبارت است از: انبار کردن کالای مورد احتیاج ضروری عامه مردم، به مقداری بیش از مصف عادی و متعارف خود و خانواده تحت تکفل وی، به قصد جلوگیری از فروش آن به دولت یا مردم و به امید گران‌فروشی آن در آینده (ساک، ۱۳۹۳: ۲۴۶).

### ۲-۳- معنا و مفهوم احتکار در قانون

راجع به احتکار قوانین مختلفی به تصویب رسیده است که برخی از آنها نسخ شده‌اند و طبعاً تعاریف مندرج در آن قوانین نمی‌تواند ملاک قرار گیرند. آخرین قانون لازم‌الاجرائی که مبادرت به تعریف احتکار نموده است، قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ می‌باشد که در ماده (۶۰)، احتکار اینگونه تعریف شده است: «احتکار عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمده با تشخیص مراجع ذی‌صلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی ذیربط».

تعریف قانونی احتکار به شرح فوق از تعریف فقهی آن تا حدودی فاصله گرفته است و مختص به ارزاق عمومی آن‌چنانکه در احادیث و روایات نیز آمده، نشده است. بنظر می‌رسد که قانون‌گذار سعی نموده است که موضوع احتکار و جنبه مجرمانه آن را با واقعیات اجتماعی و مصالح مردم در روزگار فعلی منطبق نماید که البته مغایرتی هم با موازین شرعی ندارد.

### ۳- تعریف جرم کم‌فروشی و تقلب

در ماده (۳) قانون تعزیرات حکومتی کم‌فروشی و تقلب اینگونه تعریف شده است: ۱۰۶

"عرضه کالا یا خدمات کمتر از میزان و مقادیر خریداری شده از نظر کمی و کیفی که مبنای تعیین نرخ مراجع رسمی قرار گرفته می‌باشد". در ماده مذکور عباراتی بکار رفته که ذیلاً به تبیین آنها می‌پردازیم:

تقلب: تقلب در لغت به تغییر دادن و دگرگون کردن چیزی یا کاری به دلخواه و نفع خود و به زیان دیگری و معمولاً بصورت پنهانی است و نیز به معنای لطمه زدن به حقوق یا منافع دیگران یا نقض قانون بکار می‌رود (انوری، ۱۳۸۶: ۲۷۶).

کیفیت: کیفیت در لغت به معنی چگونگی، وضع، حالت، ویژگی چیزی یا شخصی، میزان فاقد چیزی، درجه مرغوبیت را گویند (انوری، ۱۳۸۶: ۸۴۴).

کمیت: کمیت به معنی اندازه‌ای که بتوان آن را کم یا زیاد کرد و نیز به معنی مقدار است.

متقلب و کم فروش در آیات شریفه قرآن کریم نیز مورد سرزنش قرار گرفته است، از آیات قرآن کریم می‌توان آیات ذیل را مستند حرمت کم‌فروشی قرار داد.

"وَبَلِّغْ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذَا كَالُوا هُمْ أَوْ وَ زَوْهَمَ يَفْسُرُونَ" (آیات ۱ الی ۳ از سوره مطففین).

در توضیح معنای آیه و نحوه دلالت آن بر حرمت کم‌فروشی باید دانست که واژه تطفیف، مصدر طف از باب تفعیل است. تطفیف به معنای چیزی کم و قلیل است، از این‌رو تطفیف به معنای کم گذاشتن و کامل نکردن پیمانانه است که همان کم‌فروشی است.

اکتال به معنای اخذ و پیمانانه است یعنی وای به حال کم‌فروشان کم چون از مردم پیمانانه بگیرند تمام و کمال می‌گیرند و چون به مردم پیمانانه بدهند و برای آنها توزین نمایند، پیمانانه را کم می‌گذارند و وزن را کم می‌کشند.

واژه ویل که در ابتدای آیه شریفه وارد شده، در مورد شخص یا اشخاصی بکار می‌ورد که مرتکب عمل زشت و حرامی شده‌اند و حکایت از این دارد که شخص موردنظر مستحق عذاب و کیفر شدید است. در آیات شریفه ۸۵ سوره اعراف، آیه ۸۴ و ۸۵ سوره هود و سوره شعراء آیات ۱۷۷ تا ۱۸۳، حضرت شعیب ابتدا قوم خود را به توحید و یکتاپرستی دعوت می‌نماید و پس از آن به قوم خود امر می‌کند که پیمانانه را کامل کنند و کالا را کامل توزین نمایند.

#### ۴- جرم فروش اجباری

##### ۴-۱- تعریف فروش اجباری

فروش اجباری عبارت است از فروش اجباری کالا به همراه کالای دیگر در سطح عمده‌فروشی یا خرده‌فروشی.

##### ۴-۲- عناصر تشکیل‌دهنده جرم فروش اجباری

۱) عنصر قانونی: در ماده (۱۵) ق.ت.ح فروش اجباری کالا جرم‌انگاری شده و در صورت تخلف، متخلف از یک تا دو برابر ارزش کالای تحمیلی جریمه می‌شود. در ماده (۶۴) قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ نیز فروش اجباری بعنوان تخلف پیش‌بینی و مقرر شده است: فروش اجباری عبارت است از فروش اجباری یک یا چند نوع کالا یا خدمت همراه کالا یا خدمت دیگر. در تبصره ۱ ماده (۲) قانون حمایت از مصرف‌کنندگان نیز فروش اجباری یک یا چند نوع کالا یا خدمت همراه کالا یا خدمت دیگر ممنوع شده است.

۲) عنصر مادی: فروش اجباری فعل مثبت مادی است. در ماده (۱۵) ق.ت.ح فقط فروش اجباری کالا مورد حکم قرار گرفته است. لیکن در ماده (۶۴) قانون نظام صنعتی و تبصره یک ماده (۲) قانون حمایت از مصرف‌کنندگان علاوه بر کالا، فروش اجباری خدمت نیز تخلف محسوب شده است. تعریف این تبصره عیناً مشابه به تعریفی است که قانونگذار در ماده (۶۴) قانون نظام صنفی بیان داشته است.

باتوجه به تبصره فوق‌الذکر چنانچه فروشنده‌ای کالاها را به صورت سبد کالا در بی‌اورد و مشتری مجبور باشد برای یک قلم کالا که دارای مقبولیت بالا است، کالای دیگری را خریداری نماید، عمل فروشنده فروش اجباری کالا است، اگرچه مشتری می‌توانسته اصلاً اقدام به خرید نماید.

در خصوص فروش اجباری خدمت نیز تخلف می‌تواند در نتیجه عمل متقلبانه ارائه‌کننده خدمت صورت گیرد بدین صورت گیرد بدین صورت که مثلاً تعمیر کار (مکانیک) اتومبیل، علاوه بر رفع عیب اتومبیل، اقدام به دستکاری قطعات دیگر اتومبیل نموده و بابت آن اجرت دریافت نماید.

۳) **عنصر روانی:** فروش اجباری کالا یا خدمت از دسته تخلفات عمدی است، لذا چنانچه فروشنده بتواند ثابت نماید که اشتباها کالای دیگری را به همراه کالایی که مورد معامله بوده به خریدار فروخته، به نظر می‌رسد قابل قبول باشد مگر اینکه عرفاً قبول آن عقلایی نباشد، علی‌الحال قانونگذار عنصر روانی (سوء نیت) را در این تخلف مفروض دانسته است و اثبات خلاف فرضی قانونگذار امکانپذیر است.

مجازات: در صورتی که فرد صنفی مرتکب تخلف فروش اجباری کالا یا خدمت شود براساس ماده (۶۴) ق. ن. ص تحت تعقیب قرار می‌گیرد و در صورتی که واحد صنفی نباشد برابر ماده (۱۵) قانون تعزیرات حکومتی مجازات می‌شود، و این در صورتی است که در نتیجه تخلف ارتكابی خسارتی به مصرف‌کننده وارد نشده باشد، لیکن اگر خسارتی به مصرف‌کننده کالا و خدمت وارد شود، متخلف برابر ماده (۱۹) قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مجازات می‌شود.

برابر ماده (۱۵) ق. ت. ح در صورتی که غیر واحد صنفی مرتکب تخلف شود، متخلف به جریمه از یک تا دو برابر ارزش کالای تحمیلی محکوم می‌شود. در ماده (۶۴) ق. ن. ص مجازات فروش اجباری کالا و خدمت از هم تفکیک شده و در بند الف برای فروش اجباری کالا، الزام فروشنده به پس‌گرفتن کالا و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت فروش کالای تحمیلی و در بند ب برای فروش اجباری خدمت، جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل پنج برابر مبلغ خدمت اجباری در نظر گرفته شده است.

براساس ماده (۱۵) قانون حمایت از مصرف‌کنندگان در صورتی که در نتیجه تخلف خسارتی به مصرف‌کننده وارد شود. علاوه الزام فروشنده به جبران خسارت وارده، متخلف به جزای نقدی حداکثر معادل دو برابر خسارت وارده محکوم خواهد شد.

## ۵- جرائم صنفی از حیث فعل اخلال در شبکه توزیع

پاره‌ای از جرائم صنفی سبب اخلال در نظام توزیع صحیح کالا در سطح بازار شده و در این طریق به سودهای نامشروع کلانی نیز دست پیدا می‌کند، از این جهت قانونگذار با جرم‌انگاری اینگونه اقدامات سعی می‌کند نظم حاکم بر توزیع کالا و خدمات را حفظ نماید.



**(۱) عنصر قانونی**

عنصر قانونی تخلف عرضه خارج از شبکه ماده (۵) قانون تعزیرات حکومتی می‌باشد پس از تعریف این تخلف این تخلف، برای آن نسبت به مقدار کالای به فروش رفته مجازات‌های قطع سهمیه به مدت ۲ ماه، اخذ جریمه تا دو برابر مبلغ فروش خارج از شبکه و در مرتبه سم اخذ جریمه از سه تا ۵ برابر مبلغ فروش خارج از شبکه پیش‌بینی کرده است و در تبصره ذیل همین ماده اضافه نمود.

چنانچه کالا به فروش نرفته باشد، علاوه بر الزام به عرضه کالا در شبکه، اخذ جریمه معادل ده درصد ارزش رسمی کالا در نظر گرفته است.

در بند ۷ ماده (۵) قانون تشدید مجازات محکومان و گران‌فروشان مصوب ۱۳۶۷ نیز انتقال غیرمجاز کالاهایی که از طرف دولت به یک شهر یا منطقه یا جمعیت معینی اختصاص یافته است به شهر و منطقه دیگر و یا فروش آن به اشخاص دیگر را جرم محسوب و برای مجرم با رعایت امکانات و شرایط خاصی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب برای مرتبه اول ۲ تا ۵ برابر، مرتبه دوم از ۵ تا ۱۰ برابر قیمت کالای مورد تخلف برای افراد صنفی و غیرصنفی و برای مرتبه سوم برای افراد غیرصنفی ۱۰ تا ۲۰ برابر قیمت کالا و خدمات و برای افراد صنفی علاوه بر مجازات مرتبه دوم لغو پروانه تعیین مجازات نموده است.

قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ نیز مجدداً تخلف عرضه خارج از شبکه را در ماده (۶۱) پیش‌بینی کرده ۱۰۹ ولیکن شمول آن را گسترش داده است و خدمات را نیز مشمول این قانون قرار داده، در صورتی که در قانون تعزیرات حکومتی این تخلف فقط می‌توانست در مورد کالا ارتکاب یابد، ضمن اینکه مجازات قطع سهمیه حذف و صرفاً به الزام عرضه کالا و خدمت در شبکه و جزای نقدی بسنده شده است، شاید حذف مجازات قطع سهمیه به این دلیل بوده است که برای مردم و مصرف‌کنندگان ایجاد می‌نمود.

بعنوان مثال چنانچه سهمیه یک واحد صنفی که در روستای دور افتاده‌ای اقدام به توزیع اقلام یارانه‌ای موردنیاز مردم می‌کرد، به مدت سه ماه سهمیه وی به حکم مرجع رسیدگی کننده قطع می‌گردید، مردم برای تهیه آن کالا مجبور خواهند شد تا به روستاهای اطراف مراجعه نمایند که این امر علاوه بر ایجاد زحمت، هزینه‌هایی را نیز بر آنها تحمیل می‌کرد که این امر با فلسفه توزیع کالای یارانه‌ای در تضاد بوده است.

لذا در حقیقت مردم عادی که نقشی در ارتکاب تخلف نداشته‌اند مجازات می‌شده‌اند لذا قانونگذار در ماده (۶۱) به درستی مجازات قطع سهمیه را حذف کرد، اگرچه قانون نظام صنفی فقط مشمول واحدهای صنفی است و سایر عرضه‌کنندگان کالا و خدمت نظیر شرکت‌ها و اشخاص غیرصنفی را شامل نمی‌گردد و همچنان قانون تعزیرات حکومتی حاکم می‌باشد.

## ۲) عنصر مادی

عمل مرتکب تخلف عرضه خارج از شبکه عمل مثبت مادی خارجی است، که به صورت عرضه کالا برخلاف ضوابط توزیع و شبکه‌های تعیین شده وزارت بازرگانی و وزارتخانه‌های ذیربط بروز پیدا می‌کند. پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و آغاز جنگ تحمیلی و جیره‌بندی بسیاری از مواد غذایی و اقلام موردنیاز عامه و اجراء سیستم کوپنی عده‌ای سودجویان اقدام به عرضه و فروش برخی از این کالا در بازار آزاد می‌نمود که از این طریق پول‌های کلانی به جیب می‌زدند، به همین دلیل قانونگذار را بر آن داشت جرم‌انگاری کرده و برای مجازات تعیین نماید.

باتوجه به متن ماده ملاحظه می‌گردد در صورتی عمل مرتکب جرم محسوب می‌گردد که اولاً برای کالای مورد تخلف شبکه رسمی برای توزیع وجود داشته باشد، ثانیاً متهم برخلاف ضوابط اقدام به عرضه کالا در خارج از شبکه توزیع نموده باشد، بعنوان مثال قند و روغن کوپنی که دارای قیمت مصوب و صرفاً براساس دریافت کوپن مخصوص امکانپذیر است را بصورت آزاد عرضه نماید بدیهی است عمل مرتکب می‌تواند شامل دو عنوان مجرمانه باشد: ۱- عرضه در خارج از شبکه؛ ۲- گران‌فروشی در صورتی که به قیمتی بیش از مصوب عرضه نموده باشد.

لذا چنانچه شخص کالایی که دارای شبکه توزیع رسمی است را به قیمت مصوب اما خارج از شبکه (یعنی بدون دریافت کوپن) عرضه نماید نیز مشمول این ماده قانونی است اما اگر کالایی را بدون رعایت ضوابط توزیع و به قیمت بیشتر از قیمت مصوب فروخته باشد مرتکب گرانفروشی نیز شده است، که باتوجه به اینکه یک فعل شخص دارای دو عنوان مجرمانه می‌باشد، محکوم شود (ماده ۱۲۲ ق.م).

به نظر می‌رسد رئیس شعبه قبل از صدور رای می‌بایستی موضوع را با متهم در میان گذاشته و نظر موافق وی را درخصوص نوع مجازات جانشین و میزان آن جلب می‌نماید، در غیر این صورت اعتراض به رای صادره سبب نقض آن در شعبه تجدیدنظر خواهند شد، بدیهی است توافق رئیس شعبه با متهم می‌بایستی بصورت کتبی و با تنظیم صورت جلسه باشد تا در صورت اعتراض به رای صادره شعبه تجدیدنظر از نقض رای عدم رعایت تناسب مصرح در ماده (۳۷) ق.م. خودداری نماید اگرچه نظر مخالف این نظریه نیز قابل دفاع است، بدین صورت که مرجع رسیدگی کننده نیازمند اخذ موافقت متهم نیست و اصولاً دادگاه درخصوص محتوای رای با متهم وارد مذاکره نخواهد شد و شعبه باتوجه به اوضاع و احوال متهم و نوع سهمیه و درآمد متعارف ناشی از سهمیه متعلقه اقدام به تبدیل آن به جزای نقدی یا دیگر مجازات‌ها خواهد نمود.

علی‌ایحال در ماده (۵) ق.ت.ح صرفاً به عرضه کالا اشاره کرده نه به فروش در مباحث گذشته تفاوت بین عرضه و فروش را آورده‌ایم و نیاز به تکرار آن نیست. تصور نشود که قانونگذار خواسته است برای تخلف عرضه تعیین مجازات نماید لیکن فروش کالا را فاقد ضمانت اجراء بگذارد به نظر می‌رسد قانونگذار در حقیقت شروع

به جرم فروش خارج از شبکه را به شکل عرضه کالا در خارج از شبکه جرم‌انگاری کرده و برای آن تعیین مجازات نموده است و بدیهی است هنگامی که شروع به جرم، تخلفی جرم باشد، انجام تام نیز به طریق اولی جرم می‌باشد.

مثبت این مدعا ماده (۱۷) ق.ت.ح است که بیان داشته «در مواردی که کالا برخلاف ضوابط و مقررات توزیع با قیمت بصورت عمده در اختیار اشخاص غیر واجد شرایط جهت فروش قرار گیرد. علاوه بر مجازات فروشنده، اشخاص حقیقی و حقوقی خریدار کالا نیز به پرداخت جریمه معادل یک تا سه برابر درآمد من غیر حق محکوم می‌گردد».

ملاحظه می‌گردد قانونگذار در این ماده از کسی که کالا را در اختیار اشخاص غیر واجد شرایط قرار داده بعنوان فروشنده یاد کرده است و در حقیقت می‌توان گفت علاوه بر فعل ارتكابی در ماده (۵) که به صورت عرضه و فروش بوده، در ماده (۱۷) در اختیار گذاشتن را نیز در حکم فروش فرض نموده است.

بعنوان مثال چنانچه فروشنده‌ای که برابر مقررات شبکه توزیع مصوب می‌بایستی کالایی را به صورت کالا برگی (کوپنی) توزیع نماید آن را به صورت عمده به مغازه‌دار دیگری تحویل نماید تا آن را به صورت آزاد توزیع نماید حتی اگر وجه دریافتی شخص اول بیش از قیمت مصوب نباشد نیز به مجازات مندرج در ماده (۵) محکوم می‌شود.

۱۱۱

اما شخص دوم چنانچه کالا را به فروش رسانده باشد برابر ماده (۱۷) مجازات می‌شود و چنانچه هنوز به فروش نرسانده و تخلف کشف شده باشد برابر تبصره ذیل ماده (۱۷) به استرداد عین کالا یا تقبل هزینه‌های مبنی محکوم می‌گردد. باتوجه به صراحت ماده (۱۷) که جهت فروش را قید کرده به نظر می‌رسد چنانچه فروشنده اول که متصدی توزیع کالای شبکه‌ای بوده کالایی را به غیر از جهت فروش نظیر امانت‌دار اختیار دومی قرار داده باشد مشمول ماده (۵) نخواهد شد و نظر به عمدی بودن تخلف قابل تخلف عرضه خارج از شبکه «جهت فروش» می‌بایستی به اثبات برسد تا تشخیص قابل مجازات باشد. بدیهی است در این صورت نیز رئیس شعبه باید حکم به استرداد کالا در شبکه رسمی صادر نماید و علاوه بر آنان باتوجه به اینکه کالای یارانه‌ای در حقیقت توسط دولت به رسم امانت در اختیار فروشنده قرار می‌گیرد و وی در قبال توزیع آن کارمزد از دولت دریافت می‌نماید.

لذا چنانچه کالا را به مصرفی غیر از آنچه دولت تعیین کرده مصرف نماید و یا به هر جهت دیگری غیر از فروش در اختیار شخص دیگری قرار دهد، نامبرده را می‌توان بعنوان مرتکب جرم خیانت در امانت از طریق مراجع قضایی تعقیب کرد. ماده (۱۷) ق.ت.ح که در حقیقت مکمل ماده (۵) این قانون می‌باشد، برای خریدار کالا نیز تعیین مجازات هرچند خفیف نموده است.

**۳) عنصر معنوی**

عرضه خارج از شبکه یک تخلف عمدی است، لذا شخصی باید عمدا وقوع تخلف را بخواهد، با این توضیح چنانچه عامل توزیع بدون قصد و عمد و یا از روی اشتباه کالای سهمیه‌ای را به صورت آزاد به فروش رساند، مسئولیت کیفری بر او بار نخواهد شد، اگرچه ضمان مالی باقی است، یعنی او موظف خواهد بود تا کالایی مشابه آنچه را که اشتباها به فروش رسانده جایگزین نماید و یا در صورت وجود کالا آن را به شبکه مسترد نماید. کسری کالا در بادی امر عرضه خارج از شبکه محسوب می‌گردد، لیکن همان‌طوری که در صفحات پیشین دیدیم جرائم با مسئولیت مطلق جرائمی هستند که اثبات خلاف آن ممکن است، لذا متهم می‌تواند با اثبات اینکه کسری کالا ناشی از عواملی چون سرقت، آتش‌سوزی، اشتباه در محاسبه و ... بوده است و نامبرده مرتکب افراط و تفریط نشده است از کیفری مبری شود، در صورتی که در نگهداری کالا افراط و تفریط کرده باشد، ضامن عین کالا است.

**۶- جرائم صنفی از حیث ترک فعل (قیمت‌گذاری)****۶-۱- تعریف جرم عدم قیمت**

از شاخص‌های اقتصادی سالم، کارایی شبکه توزیع کالا و خدمات بوده و از عوامل موثر در این زمینه در دسترس بودن اطلاعات و شفافیت بازار می‌باشد. در گذر اقتصاد سنتی هرچه اطلاعات کامل‌تر و آسان‌تر در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد، آنها با آگاهی و اطمینان بیشتر و با صرف هزینه کمتر قادر به انتخاب خواهند بود.

تهیه شناسنامه کالا و درج مشخصات آن از قبیل نوع، جنس، و ترکیبات، تاریخ تولید و انقضاء، نام و نشان تولید کننده، قیمت و ... موجب شفافیت بازار می‌شود. در این میان نصب برچسب قیمت روی کالا یا نصب نرخ‌نامه خدمات باعث ایجاد ارتباط منطقی بین فروشنده و خریدار شده و علاوه بر اینکه قدرت انتخاب مصرف‌کنندگان را بالا می‌برد، مانع افزایش قیمت بی‌رویه قیمت‌ها نیز می‌گردد. قدرت رقابت را بین فروشندگان ایجاد نموده و می‌تواند باعث کاهش اختلاف قیمت‌ها در بازار کالا و خدمات شود. بدین ترتیب گسترش نصب برچسب قیمت، بستر مناسب را برای یکسان‌سازی و تعدیل قیمت‌ها و کاهش برخی تخلفات از قبیل گران‌فروشی و تبعیض در فروش را فراهم کرده و یکی از راه‌های مهم حمایت از حقوق مصرف‌کننده محسوب می‌شود.

نصب قیمت آثار و نتایج بسیاری را بدنبال دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱) سبب تبادل آسان و سریع - اطلاعات قیمت میان عرضه کننده و مصرف کننده کالا و خدمات می‌شود.
- ۲) انتخاب نوع کالا یا خدمات را برای خریدار آسان می‌نماید.

- ۳) ارزیابی از وضعیت بازار را تسهیل می‌نماید.
  - ۴) باعث ایجاد اطمینان بیشتر برای مصرف کنندگان می‌شود.
  - ۵) شبکه توزیع را بهبود می‌بخشد.
  - ۶) به کاهش قیمت‌ها کمک می‌کند.
  - ۷) از تبعیض در فروش جلوگیری می‌کند.
  - ۸) باعث تعادل مثبت بین فروشنده و خریدار می‌گردد.
  - ۹) سبب تسهیل در رسیدگی به شکایت مردمی می‌گردد.
- a. دسته اول: درج قیمت کالا در مبادی تولید؛
- b. دسته دوم: درج قیمت کالا در مبادی عرضه (نصب اتیکت قیمت)؛
- c. دسته سوم: درج قیمت کالا هم در مبادی تولیدی و هم در مبادی عرضه.

## ۲-۶- عناصر تشکیل دهنده جرم عدم درج قیمت

### ۱) عنصر قانونی

قانونگذار ایران برای اولین بار قانون نظام صنفی مصوب ۱۳/۰۴/۱۳۵۹ و در ماده (۷۰) این قانون تخلف عدم درج قیمت را جرم‌انگاری نموده است، در ماده مذکور پیش‌بینی شده هر فرد صنفی که برابر بند ۳ ماده (۱۴) قانون نظام صنفی اجرت یا دستمزد خدمات را در تابلوی مخصوص درج ننموده و یا در مدخل محل کسب یا حرفه نصب نکند و یا برچسب روی کالاها الصاق ننماید به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم می‌شود.

در بند (۳) ماده (۱۴) این قانون نیز افراد صنفی اعم از فروشنده یا سازنده و یا تولید کننده کالاها و یا محصولات و یا خدماتی که به مشتریان عرضه می‌نمایند مکلف شده‌اند با الصاق برچسب روی کالا و یا محصولات، همچنین با نصب تابلو در مدخل محل کسب و یا حرفه، ارزش واحد کالا و یا محصول و یا خدمت و یا دستمزد را بطور روشن و مقطوع مشخص کنند.

سپس در ماده (۶) قانون تعزیرات حکومتی مصوب سال ۱۳۶۷ عدم درج قیمت اینگونه تعریف شده است: عدم درج قیمت عبارت است از عدم درج قیمت کالاها یا خدمات مشمول بنحویکه برای مراجعین قابل رویت باشد به صورت نصب برچسب یا اتیکت یا به صورت نصب تابلوی نرخ در محل واحد.

در ادامه ماده باتوجه به مراتب تخلف مجازات‌هایی نظیر تذکر کتبی، درج در پرونده واحد، جزای نقدی، قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از سه تا شش ماه و نصب پارچه بعنوان متخلف پیش‌بینی شده است.

در نظام مقایسه بین ماده (۷۰) قانون صنفی سال ۳۵۹ و ماده (۶) قانون تعزیرات حکومتی تفاوت‌های ذیل مشاهده می‌گردد.

۱) از نظر نوع جرم، در ماده (۷۰) ق.ن.ص جرم ارتكابی از درجه جنحه بوده است. در صورتی که در ماده (۶) ق.ت.ح نوع جرم خلاف محسوب شده است.

۲) از نظر میزان مجازات، در ماده (۷۰) ق.ن.ص مجازات حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه پیش‌بینی شده، در صورتی که در ماده (۶) ق.ت.ح مجازات‌های تعزیری بسیار خفیفی در نظر گرفته شده است.

۳) از نظر شمول قانون، ماده (۷۰) قانون نظام صنفی همه افراد صنفی که به نوعی کالا یا خدمتی را ارائه می‌نمایند در بر می‌گرفت اما ماده (۶) ق.ت.ح فقط کالاها و خدمات مشمول طرح تعزیرات حکومتی را شامل می‌شد، اگرچه در سال ۱۳۶۵ ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار طی مصوبه شماره ۱۳۶۵ کلیه کالاها را مشمول طرح تعزیرات حکومتی قلمداد نموده است.

ماده (۷۰) ق.ن.ص صرفاً افراد صنفی را مورد حکم قرار می‌داد، در صورتی که ماده (۶) ق.ت.ح افراد صنفی و غیرافراد صنفی را شامل می‌شود.

در سال ۱۳۸۲ قانون نظام صنفی اصلاح گردید و در ماده (۶۵) قانون عدم درج قیمت از درجه جنحه به خلاف کنترل کرد و مجازات آن نیز حتی از مجازات مندرج در ماده (۶) قانون تعزیرات حکومتی خفیف‌تر شد و صرفاً مبلغ دویست هزار ریال جزای نقدی بعنوان مجازات این تخلف شناخته شد، متن ماده بدین شرح است: عدم درج قیمت: عبارت است از نصب نکردن برچسب قیمت بر کالا، استفاده نکردن از تابلو نرخ دستمزد خدمت در محل کسب یا حرفه یا درج قیمت بنحویکه برای مراجعه کنندگان قابل رویت نباشد جریمه عدم درج قیمت در هر بار تخلف دویست هزار ریال است.

بالاخره ماده (۵) قانون، حمایت از حقوق مصرف کننده مصوب ۱۳۸۸ کلیه عرضه کنندگان کالا و خدمات را مکلف نمود با الصاق برچسب روی کالا، یا نصب تابلو در محل کسب یا حرفه، قیمت واحد کالا یا دستمزد خدمت را بطور روشن و مکتوب بگونه‌ای که بر همگان قابل رویت باشد، اعلام نمایند.

لذا در حال حاضر شعب تعزیرات حکومتی برابر ماده (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان در خصوص افراد صنفی با استناد به ماده (۶۵) قانون نظام صنفی اقدام به صدور رای و تعیین مجازات می‌نمایند و در خصوص افراد غیرصنفی برابر ماده (۶) قانون تعزیرات حکومتی اقدام می‌نمایند.

## ۲) عنصر مادی

عنصر مادی تخلف عدم درج قیمت، از نوع ترک فعل است، لذا چنانچه واحدهای صنفی و غیرصنفی که بنحوی کالا یا خدمتی را عرضه می‌نمایند از درج قیمت کالا و خدمت عرضه شده خودداری نمایند مشمول مواد قانونی اشاره شده خواهند شد.

گاهی اوقات ملاحظه می‌شود، سازمان‌های ناظر واحدهای عرضه کننده کالا را نصب اتیکت قیمت براساس فرمت خاصی مجبور می‌نمایند و در صورت عدم رعایت شکل ظاهری اتیکت از سوی سازمان شاکی به تعزیرات حکومتی معرفی می‌شوند. اما چنانچه اتحادیه‌ای نرخ‌نامه خاصی را به صورت اعلامیه در اختیار واحدهای ذیربط قرار بدهد تا در محل کسب خود نصب نمایند، واحدها مکلف می‌باشند عین همان اعلامیه را در معرض دید مشتری قرار بدهند، معمولاً این نرخ‌نامه‌ها توسط کمیسیون نظارت استان‌ها و شهرستان‌ها تصویب می‌شود و به صورت رسمی به واحدهای صنفی ابلاغ می‌گردد، که در این صورت نصب آنها الزامی است، نظیر نرخ‌نامه خدمات آرایشگری.

### ۳) عنصر معنوی

تخلف عدم درج قیمت از نوع تخلفات مادی صرف است، یعنی نیازی به اثبات وجود عنصر سوء نیت یا قصد مجرمانه ندارد، صرف اینکه عرضه کننده کالا یا خدمتی اقدام به عرضه کالا یا خدمت نموده باشد، عدم درج قیمت به قصد گران‌فروشی بوده باشد یا نباشد.

### نتیجه‌گیری

بررسی قوانین ناظر بر بازار و آئین رسیدگی به تخلفات مندرج در این قوانین اغلب ما را با ابهامات و نقائص گوناگونی مواجه کرده و رفع ایرادات موجود جز با همکاری اساتید محترم دانشگاه‌ها امکانپذیر نمی‌باشد. یکی از مشکلات مبتلا به شعب تعزیرات حکومتی این است که منابع اندکی جهت مراجعه و تبعیت از آنها وجود دارد و منابع موجود نیز به دلیل اینکه از بار علمی مناسبی برخوردار نبوده و از روش علمی و معمول علم حقوق بی‌بهره هستند چندان قابل استناد نمی‌باشد، محاکم قضایی علیرغم گذشت نزدیک به یک قرن که از تشکیل آنها می‌گذرد همچنان در بکارگیری و اجراء قوانین، چه قوانین قدیمی مثل قانون مدنی و چه قوانین مصوب سال‌های اخیر دچار مشکلات عدیده شده و در رسیدگی و صدور آراء متون حقوقی که حاصل زحمت علماء حقوق و فقها عالیقدر نظیر امام خمینی (ره) می‌باشد مراجعه می‌نمایند؛ و خوشبختانه در این زمینه با کمبود منابع قابل اتکاء مواجه نیستند. لیکن در خصوص قوانین تعزیرات حکومتی به دلیل تازگی و مباحث مطروحه و بی‌مهری برخی از علماء و اساتید حقوق رشد و نمو آن اندک بوده است، مضاف بر آن تغییر و تحولی نیز در این قوانین در جهت اصلاح آنها حاصل نشده است. البته بعضی از شاغلین در سازمان تعزیرات حکومتی که دستی بر قلم داشته‌اند سعی کرده‌اند با تالیف کتبی به تبیین مقررات حاکم بر اصناف و بررسی آئین رسیدگی در شعب تعزیرات بپردازند اما این اشخاص نیز به دلیل اشکالات قانونی و نقص فاحش قوانین و دستورالعمل‌های موجود بیشتر تلاش آنها مصروف جمع‌آوری قوانین، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها به صورت

خام شده است و یا اینکه با رونویسی از منابع غیرمرتبط سعی در تطبیق و اصلاح ذهنی چیزی که اصولاً وجود ندارد پرداخته‌اند. مسلم است که این منابع نمی‌تواند در رفع مشکلات حقوقی موجود مفید واقع شود، لذا سازمان تعزیرات حکومتی بعنوان مجری اصلی قانون تعزیرات می‌بایستی با حمایت از پژوهش‌های علمی در این زمینه و جذب و بکارگیری اساتید و علماء حقوق در شکل‌گیری یک نظام قضایی جدید و کارآمد که در دنیا حرف‌هایی برای گفتن داشته باشد، گام اساسی بردارد.

علی‌ایحال نتایج حاصل از تحقیق حاضر را می‌توان به شرح ذیل بیان داشت:

- ۱) قانون تعزیرات حکومتی از ابهام، اجمال و نقص به شدت رنج می‌برد، اصلاح این قانون با استفاده از تجربیات سیستم قضایی حاکم و بصورت علمی و تطبیقی ضروری به نظر می‌رسد.
  - ۲) تعزیرات حکومتی فاقد آئین دادرسی است، آئین‌نامه‌های اجرایی صرفاً اشاره‌ای نارسا به نحوه رسیدگی در سازمان تعزیرات حکومتی داشته و نیاز شعب رسیدگی کننده را رفع نمی‌نماید.
  - ۳) شعب سازمان تعزیرات از ابزار قانونی لازم برای اعمال قانون بی‌بهره هستند، ابهام در جایگاه صدور قرارهای تامین، حق جلب متهم و ... این شعب را در صدور حکم و اجراء آن دچار مشکل نموده است.
  - ۴) کمبود منابع تحقیقی و کمکی برای صدور آراء قوی، موید این مطلب است که سازمان تعزیرات، سازمانی دانش‌محور نبوده و از سوی این مرجع حمایتی نسبت به محققین صورت نمی‌گیرد.
  - ۵) تداخل صلاحیت‌ها بین سازمان تعزیرات حکومتی و سایر مراجع قضایی و اداری نظیر دادگاه‌های عمومی و انقلاب، شوراهای حل اختلاف، هیات‌های بدوی نظام پزشکی و ... باعث سوء استفاده مجرمین اقتصادی و به نتیجه نرسیدن اقدامات معمول می‌گردند.
- باتوجه به مشکلات موجود به نظر می‌رسد چنانچه سازمان تعزیرات حکومتی در غالب یکی از نهادهای قضایی زیر مجموعه قوه قضائیه فعالیت نماید، ضمن رفع ایراد قانون اساسی و رعایت اصل مسلم تفکیک قوا، سبب تراکم پرونده‌ها در محاکم دادگستری نیز نخواهد شد.



## فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن‌منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴)، لسان‌العرب، ج ۳، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۳- انوری، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ کوچک سخن، تهران: انتشارات سخن.
- ۴- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، الصحاح - تاج‌اللغه و صحاح العربیة، ج ۱، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدباقر (۱۳۴۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدباقر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۷- حسام، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، «سیاست کیفری ایران در جرائم صنفی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق، دانشگاه شاهرود.
- ۸- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: انتشارات جنگل.
- ۹- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۶)، حقوق کیفری اقتصادی، ج ۱، تهران: انتشارات ژوبین.
- ۱۰- شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۳۷۸)، احتکار در اسلام، ترجمه: سیدمرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، ج ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- ۱۱- فراهیدی، خلیل‌بن احمد (۱۴۱۰)، العین، ج ۲، قم: نشر هجرت.
- ۱۲- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۲)، القاموس‌المحیط و القابوس‌الوسیط فی اللغه، ج ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۱۳- قاسمی، حامد و دیگران (۱۳۹۱)، «آسیب‌رسانی به مصرف‌کننده در بازار رقابتی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۷.
- ۱۴- معلوف، لوئیس (۱۹۹۲)، المنجد فی اللغه، ج ۳۳، بیروت: منشورات دارالمشرق.
- ۱۵- مکنوف، الیاس (۱۳۹۴)، احتکار در قانون، ج ۳، تهران: انتشارات قدس.